

سیاه چاله آموزشوپرورش بلوچستان

عبدالحکیم سالارزهی

دانش و معرفت مهم‌ترین مولفه رشد و توسعه و زیربنای تعالی در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. بنابراین آموزشوپرورش به عنوان مهم‌ترین رکن تعلیم و تربیت، رسالت خطیری در این خصوص به عهده دارد، اما در بلوچستان؟!

به روایت ایام، بیش از چهار دهه از بهار انقلاب اسلامی می‌گذرد، مسوولان مدعی‌اند انقلاب دستاوردهای کارآمدی در حوزه آموزشوپرورش داشته است، اما در بلوچستان همچنان با معضل «فقر و نابرابری آموزشی» مواجه هستیم. بلوچستان همچنان از وجود «مدارس کپری»، «کمبود نیروی انسانی» و «کمبود امکانات و فضای آموزشی» رنج می‌برد. در بسیاری از روستاهای دوردست مدرسه وجود ندارد. در حاشیه شهر زاهدان، شیرآباد باوجود دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۸۰ هزار نفر حتی یک دبیرستان پسرانه ندارد. هزاران دانش‌آموز در فضاهای ناایمن، نامناسب و تخریبی درس می‌خوانند. وضعیت بحرانی و نابسامان سیستم آموزشی در سیستان و بلوچستان، این استان را در صدر دیگر استان‌های دچار فقر و تبعیض آموزشی کشور قرار داده است.

مسوولان همواره «کمبود نیروی انسانی»، «کمبود امکانات رفاهی و آموزشی»، «فقر و بیکاری»، «پراکندگی مناطق روستایی» و «بی‌توجهی و کم‌توجهی اولیا و سرپرستان خانواده‌ها نسبت به تحصیل فرزندان» را علل افت و ترک تحصیل دانش‌آموزان بلوچستانی عنوان می‌کنند اما به وضعیت نابسامان «سیستم آموزشی»، «بی‌توجهی و غفلت بسیاری از معلمان نسبت به تحصیل دانش‌آموزان»، «پایین بودن کیفیت تدریس» و «عملکرد ضعیف مدیران» پرداخته نمی‌شود تا این عقب‌ماندگی و محرومیت ملاموس، نمایان گردد. از اهمال مسوولان آموزشی در بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان انتقاد نمی‌شود. برای فرار از واقعیت‌ها، فقط کمبود امکانات آموزشی و رفاهی برجسته می‌شود اما به بهبود و ارتقای سیستم آموزشی توجه چندانی نمی‌شود و تبعیض، رشوه و فساد از مدارس و دانشگاه‌ها برچیده نمی‌شود. بسیاری از دانش‌آموزان دبستانی در مهارت‌های پایه؛ خواندن و نوشتن با مشکل مواجه هستند. گاهی یک دانش‌آموز کلاس پنجم ابتدایی قادر به نوشتن نام خود نیست. دانش‌آموز دبیرستانی از نوشتن یک نامه و انشای معمولی عاجز است. دانش‌آموز

مقطع ابتدایي‌اي که صلاحیت ورود به مقطع راهنمایی را ندارد، با تسامح معلمان نمره قبولی کسب می‌کند و به کلاس‌های بالاتر راه می‌یابد. در این نوشته به پاره‌ای از عواملی که دانش‌آموزان را از تحصیل باز می‌دارد، اشاره می‌شود.

فقدان کیفیت آموزشی

وضعیت نامطلوب کیفیت آموزشی، دانش‌آموزان بلوچستانی را دچار فقر آموزشی کرده است. بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل کیفیت پایین آموزش از درس و کتاب ناامید می‌شوند. صادق، حمزه و سدید سه تن از دانش‌آموزان روستایی در مقطع ابتدایی هستند. آنان علت ترک تحصیل خود را «ضعف و ناتوانی معلمان» بیان می‌کنند و می‌گویند: «آموزش‌وپرورش معلم‌های ضعیف و ناتوان را به روستاهای ما اعزام می‌کند. معلم‌هایی که اصلاً دلدماغِ تدریس را ندارند. ما در مدرسه ابتدایی برای همه کلاس‌ها فقط دو معلم داشتیم، آنان هنگام حضور در کلاس درس، گوشی‌های دانش‌آموزان را به دست می‌گرفتند و به تماشای فیلم می‌پرداختند و پایان سال تحصیلی به ما نمره قبولی می‌دادند.» عدنان دانش‌آموز کلاس یازدهم است. او از جدول ضرب سوم دبستان و زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه و سایر مواد درسی چیزی نمی‌داند، گویا با آنچه می‌شنود، بیگانه است. بسیاری از همکلاسی‌هایش با مشکل مشابه او دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

زکریا، عبدالرحمن، حسام، یحیی و عدنان؛ دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان می‌گویند: «معلم ریاضی ما خیلی ضعیف بود. فقط مثال‌های حل‌شده کتاب را روی وایت‌برد می‌نوشت و از پاسخ به سوالات کتاب طفره می‌رفت. معلم زبان انگلیسی در حین تدریس واژه‌ها را از جست‌وجوگر گوگل پیدا می‌کرد.»

عبدالرحمن می‌گوید: «برادرم در درس عربی خوب بود. او از معلم خیلی سوال می‌کرد. وقتی معلم نمی‌توانست پاسخ درست و حسابی به او بدهد، از کوره در می‌رفت و برادرم را سرزنش می‌کرد. برادرم نتوانست سرزنش‌های معلم را تحمل کند. بی‌خیال تحصیل شد.»

بسیاری از معلمان بدون داشتن مهارت کامل، همه رشته‌ها را تدریس می‌کنند. این به کیفیت تدریس ضربه می‌زند. آیا امکان دارد يك معلم به تنهایی تمام کتب درسی را تدریس کند؟! آن‌هم به‌طور کامل و جامع؟ آیا می‌تواند حق مطلب را ادا کند؟ اگر اوضاع به همین صورت پیش برود، شاهد آینده تیره‌تر و ابهام‌آلودتری خواهیم بود.

نیروی انسانی

کمبود «نیروی انسانی»، به خصوص «نیروی انسانی متخصص»، از عمده‌ترین معضلاتی است که در عرصه آموزش‌وپرورش با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. بنابر اذعان سرپرست آموزش‌وپرورش سیستان و بلوچستان، این

استان در حال حاضر با کمبود ۱۲ هزار معلم مواجه است. در سهمیه‌های استخدامی، این استان با کاهش بیش از ۵۰ درصدی نسبت به سال قبل مواجه شده است. این در حالی است که بیش از ۱۴۱ هزار بازمانده از تحصیل در بلوچستان داریم که جذب آنها نیازمند جذب نیروی انسانی مضاعف است. کمبود این تعداد نیرو، خود يك بحران است. «ضعف در کنترل و مدیریت نیروهای موجود» و «عدم نظارت درست بر عملکردها» بحرانی بزرگ‌تر است.

گاهی «بومی‌گزینی» می‌تواند بسیاری از مشکلات را کاهش دهد، چراکه نیروی غیربومی بعد از يك الي دو سال انتقالی می‌گیرد و شهرستان با کمبود نیرو مواجه می‌شود. مورد دیگری که نیاز به بررسی دارد، بی‌برنامگی در استخدام نیروهای خریدخدمات آموزشی است که بیشتر به رفع تکلیف و از زیر کار در رفتن می‌ماند. استخدام نیروهای خریدخدمات بدون در نظر گرفتن «معیارهای علمی» و «شایسته‌گزینی» و «سیاست راه‌اندازی شعبه‌های اقماری دانشگاه فرهنگیان در جنوب بلوچستان»، بحران آفریده است. استفاده از ظرفیت‌های بیشتر دانشگاه فرهنگیان و اختصاص دادن سهمیه برای دانش‌آموزان مستعد، زمینه‌های مناسبی برای «تربیت نیروی کیفی» ایجاد می‌کند.

تبعیض

تبعیض و رفتارهای سلیقه‌ای از دیگر علل افت تحصیلی هستند. بیشتر مشکلات مردم بلوچستان ریشه در تبعیض دارد. نگاه‌های سلیقه‌ای و دیدگاه‌های جناحی و مذهبی در استخدام نیروی انسانی در آموزش و پرورش، صدمات جبران‌ناپذیری به پیکره نظام آموزشی وارد کرده است. بسیاری از دانش‌آموزان تیزهوش به دلیل نگاه‌های تبعیض‌آمیز معلمان از درس سرخورده شده‌اند و برای همیشه با تحصیل وداع کرده‌اند. اسماعیل یکی از دانشجویان فعال بلوچستانی است. او می‌گوید: «بسیاری از دانشجویان بلوچ که پس از قبولی در کنکور، مجاز به ورود به دانشگاه فرهنگیان می‌شوند، بدون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای در مصاحبه رد می‌شوند.»

او می‌افزاید: «تعداد معلمان بلوچ در سطح استان نسبت به غیربومی‌ها به مراتب کمتر است. متأسفانه از نیروهای بومی بلوچ به ندرت کار گرفته می‌شود.»

حسام، زکریا و عبدالرحمن می‌گویند: «معلم بحث‌های مذهبی و قومی را در کلاس مطرح می‌کند، هرکس از خودش دفاع کند، او را به دفتر مدیر احضار می‌کند.»

عبدالرحمن انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل ندارد. او می‌گوید: «بحث‌های مذهبی و برخورد تند معلم باعث شده هیچ انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل نداشته باشم.»

فقر

یکی از عمده‌ترین معضلات آموزشی در بلوچستان فقر اقتصادی است. فقر اقتصادی پایه و اساس فقر فرهنگی و مهم‌ترین عامل محرومیت از حداقل‌های زندگی است. صدها دانش‌آموز به دلیل فقر و تنگدستی، درس و کتاب را رها کرده و کار می‌کنند. عبدالرحمن می‌گوید: «ما پنج برادر و خواهر در یک دبستان درس می‌خواندیم. همه به دلیل عدم توانایی مالی به صورت نوبتی از یک بسته مداد رنگی استفاده می‌کردیم.»

وی ادامه می‌دهد: «بسیاری از دانش‌آموزان به خاطر نداشتن هزینه لوازم‌التحریر از ادامه تحصیل باز می‌مانند.» زکریا می‌گوید: «پارسال یکی از دانش‌آموزان دبستانی بیرون کلاس ایستاده بود، گفتم: چرا اینجا ایستاده‌ای؟ او پاسخ داد: چون مداد نداشتم، معلم از کلاس اخراج کرد.»

تعدادی از دانش‌آموزان یکی از مدارس حاشیه شهر زاهدان می‌گویند: «خیرین برای دانش‌آموزان بسته‌های تحصیلی و معیشتی می‌آورند، معلمان این اقلام را در حضور خیرین تقسیم می‌کنند، بعد از رفتن‌شان، بسته‌ها را از ما می‌گیرند و می‌گویند: این بسته‌ها فقط برای شاگردان زرنگ است. کفش‌های اهدایی خیرین به ما را هم در صندوق خودروهای‌شان گذاشته و با خود می‌برند.»

سخن پایانی

«باروری و شکوفایی استعدادها»، «ارتقای کیفیت تدریس: فرآیند یاددهی- یادگیری»، «پویایی در مدیریت مدارس»، «ارزشیابی و نظارت و کنترل معلمان»، «فراهم‌سازی امکانات و تجهیزات آموزشی» و «جلب مشارکت مردم در امور تعلیم و تربیت» از محورهای مهم مباحث آموزشی هستند. ارتقا و بهبود کیفی این محورها از مهم‌ترین وظایف وزارت آموزش و پرورش است که متأسفانه در این زمینه در بلوچستان قصور فراوانی صورت گرفته است. گرچه موسسات خیریه نقش‌آفرینی‌های زیادی در منطقه داشتند که تلاش‌های آنها قابل تقدیر است.

ایجاد پویایی فراگیر در قالب دست‌یاری به سوی آموزش و پرورش متشکل از ظرفیت‌های نهادهای ملی و مردمی همراه با مشارکت کنشگران، کارآفرینان و خیرین، می‌تواند نقش موثری در بهبود کیفیت‌ها در «عرصه تعلیم و تربیت» ایفا کند.

با توجه به بافت‌های قبیله‌ای و پراکندگی‌های جغرافیایی بلوچستان، می‌تواند از نیروهای توانمند بلوچ که با فرهنگ این مردم آشنایی بیشتری دارند و به مشکلات آنان آگاه‌تر هستند، در پست‌های مدیریتی استفاده شود. بلوچستان با وجود برخورداری از جاذبه‌های گردشگری، منابع طبیعی، ذخایر زیرزمینی، دسترسی به دریای عمان و هم‌مرز بودن با کشورهای پاکستان، افغانستان و حاشیه‌های خلیج فارس، همچنان در

فقر اقتصادي و مشکلات اجتماعي به سر مي برد. جوانان تيزهوش بلوچستاني براي امرارمعاش به شغلهايي مانند سوختبري و... روي مي آورند و بسياري از آنان جان خود را در اين مسير از دست مي دهند. بلوچستان به فراموشي سپرده شده است.

□□□□□□□□ 1401 □□□ 29 □□□□□□ □□□□□□□□ :□□□□